

غلامعباسی اکبری،عضو هیات‌عالمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با فرهیختگان:

دید دولتمردان به کشاورزی اشتباه است

کشاورزان برای آمورش بهتر رهیعی ندارند



بسیاری از کشورها حمایت‌های زیادی از کشاورزی صورت می‌کنند. نظر شما چیست و بقیه دنیا چگونه از کشاورزی خود حمایت می‌کنند؟

این نگاه به این خاطر است که در بخش کشاورزی نگاه صنعتی حاکم نیست. آنهایی که موافق حمایت از کشاورز نیستندومی‌گویند کشاورز خودش باید تولید کندوبعدنیز برای محصولاتش بازار پیدا کند،بایدسایر مولفه‌های جامعه را نیز نگاه کند. مثلاً رفاه اجتماعی در کشورهای پیشرفته چگونه است؟ در این کشورها کشاورز وقتی بیمه شد دیگر دغدغه درمان ندارد. در ایران کشاورز اگر هم بیمه شود، یک بیمه کم‌اثر است که رفاهی در اختیارش نمی‌گذارد. اولین حمایت‌هایی که در دنیا از کشاورزان وتولیدکنندگان می‌شوداین است‌که‌دغدغه‌رفاهی نداشته‌باشند.در خیلی از کشورهاوقتی زمین در حال تخریب است،برای اینکه زمین جان بگیرد و حاصلخیز شود، نمی‌گذارند یک‌سال در آن کشت شود. در این مدت درآمد کشاورز را به او می‌پردازند. در آنجا کشاورز دغدغه ندارد ومثل ایران نیست که با هزار گرفتاری کار کند.

چند سالی است که مدیریت بازار محصولات کشاورزی به وزارت جهاد کشاورزی سپرده‌شده‌است‌واین‌وزارتخانه‌باهمه فشا‌رها نتوانسته‌ت محدودی واردات مواد غذایی‌راسامان دهد؛ اما شاهد هم وزارت صنعت فشار می‌آورد که دوباره مدیریت واردات را دست بگیرد. شما کدام‌وزارت‌خانه‌و برای مدیریت بازار مناسب‌تر می‌دانید؟

تجربه نشان داده در چند سال گذشته که مدیریت بازار با وزارت جهاد کشاورزی بوده،آرامش بیشتری در محصولات کشاورزی حاکم بوده است. سال ۸۱ به بازدید مجتمع تولیدنیشکری‌رفته‌بودیم،ملاحظه‌شد حجم بسیار وسیعی نیشکر روی زمین است ودر حال تولیدند، بعد همان موقع قرار بود دومیلیون تن شکر وارد کشور شود در حالی که حجم زیادی سرمایه‌گذاری شده و ۸۰ هزار هکتار نیشکر کشت شده بود. اگر مدیریت در دست وزارت جهاد کشاورزی باشد طبیعتاً در تولید دینار داخل اطلاعات بهتری داردومی‌تواند با واردات به اندازه، بازار را بهتر تنظیم کند.

تولیدکنندگان از این شهرک‌ها بهره‌برداری می‌کنند و محصول به دست می‌آورند. وقتی در سیاست‌های کلی نظام به کشاورزی نیز چنین نگاهی وجود داشته باشد، مشکلات آن نیز حل خواهد شد. نگاه جامعه به کشاورزی خوب نیست. اگر کسی بگوید می‌خواهد کشاورزی کند، فکر می‌کنندمی‌خواهد بیل بزند،نگاه بیرونی به کشاورزی خوب نیست. بسیاری از دولتمردان و سیاستمدان ما نگاه‌شان به کشاورزی همین گونه است. تا نگاه به کشاورزی مدرن نشود این اتفاقات مثبت در آن نمی‌افتد.

مشکل حادی که کشاورزان ما دارند این است که چندین ماه زحمت می‌کشند تا محصول به بار بیاید ولی در نهایت سود آن به جیب دلال‌ها واسطه‌ها می‌رود. چگونه باید این مشکل را حل کرد؟

این مشکل مربوط به امروز نیست، از سالیان گذشته همین گونه بوده و در سایر صنایع نیز همین گونه است. صنعت واقعی کشور ما صنعت واسطه‌گری است. بین دلالی که از بانک مرکزی بیرون می‌آید تا آن دلالی که به دست مردم می‌رسد، همیشه فاصله قابل توجهی وجود داشته است. قطعه‌سازان و تولیدکنندگان محصولات غیرکشاورزی محصول شان را با چه قیمتی تولید می‌کنند و با چه قیمتی به دست مصرف کننده می‌رسد؟ داستان آنها خیلی فرقی با محصولات کشاورزی ندارد، فقط تولیدات صنعتی هزینه دورریز ندارند و محصول شان خراب نمی‌شود. الان هندوانه در بازار کیلویی ۱۵۰۰ تومان به فروش می‌رسد، ولی سر زمین آن را ۱۰۰۰ تومان از کشاورز می‌خرند. چند روز دیگر گیلاس به بازار می‌آید، کیلویی ۶۰ هزار تومان، مگر آن را چند از کشاورز می‌خرند؟ صنعت واسطه‌گری موفق ترین صنعت کشور است. تا دلالان واسطه‌ها را محدود نکنند نمی‌توان این مشکلات را حل کرد.

برخی اقتصاددانان با حمایت دولت از هر صنعتی مخالفند، مخصوصاً در کشاورزی ادعان دارند که نباید از کشاورزی حمایت شود و نباید به آن یارانه تخصیص داد، در حالی که



سال‌هاست این شعار را می‌دهیم که باید به سمت آبیاری تحت فشار برویم ولی سرعت عملیاتی شدن این شعار بسیار پایین است. چرا؟

قبول داریم سرعت بسیار پایین است. از اول انقلاب این شعار بوده و همه دولت‌ها به دنبال این کار بوده‌اند، ولی بستگی به منابع مالی دولت‌ها دارد. اساساً باید دید آیا کشاورزی اولویت کشور ماست یا خیر. وقتی کشاورزی را به عنوان یک صنعت نگاه نمی‌کنیم، سرعت تحولات آن نیز پایین است. در بخش صنعت جا وامکانات را مهیا می‌کنند، وام و تسهیلات می‌دهند، مسائل زیست محیطی را حل می‌کنند و... در نهایت شهرک‌های صنعتی را شکل می‌دهند.

هر چقدر هم صنعت و تکنولوژی پیشرفت داشته باشد، هنوز هم کشاورزی و دامداری جزء مهم‌ترین فعالیت‌های بشری محسوب می‌شوند. وظیفه تأمین و امنیت غذایی جامعه بر عهده کشاورزی است. علاوه بر اینکه غذای بشر توسط کشاورزان و دامداران تولید می‌شود، مواد اولیه برخی از صنایع از قبیل نساجی و پوشاک نیز وابسته به آنها هستند. همچنین تعداد بسیاری به‌طور مستقیم غیرمستقیم مشغول ارائه خدمات به کشاورزان و کشاورزی هستند. سهم شاغلان بخش کشاورزی از کل شاغلان در سال ۹۶ به ۱۷/۴ درصد رسیده که البته نسبت به سال‌های قبل از آن کاهش مواجه شده است. با همه اهمیتی که کشاورزی دارد، با مشکلات زیادی روبه‌رو است و همواره می‌رهی از جانب دولتمردان شامل حالش شده است؛ به این جهت به سراغ غلامعباس اکبری، استاد کشاورزی دانشگاه تهران رفته‌او برخی از مشکلات بخش کشاورزی و راهکارهای آنها را بررسی کرده‌ایم.

ذرت مراجعه می‌کرد و راهنمایی‌های لازم را می‌گرفت، بعد از برداشت تشکر می‌کرد ولی برخی کشاورزان بدون هیچ توصیه‌ای اقدام به کشت می‌کردند و نتیجه لازم را نمی‌گرفتند. اگر کشاورزان توصیه‌پذیر باشند، این همه کارشناس باتجربه داریم که می‌توانند از آنها استفاده کنند. آن کشاورزی که نتوانسته در هر هکتار ۱۳۲۰۰ کیلو گندم برداشت کند، در زمین دیم در هر هکتار ۶۷۰۰ کیلو تولید داشته است در حالی که میانگین گندم دیم در کشور کمتر از ۱۰۰۰ کیلودر هکتار است. این کشاورز هیچ تکنولوژی جدیدی به کار نبرده و فقط توصیه‌های مروجان را به کار بسته است. می‌شود و می‌توانیم به شرطی که کشاورز نیز رغبت داشته باشد و به راهنمایی مروجان عمل کند. در این مورد نه دانش آنچنانی نیاز است و نه تکنولوژی که بخوایم پول بدهیم و بعد قیمت محصول گران تمام شود.

چگونه می‌توانیم کشاورز را به سمت استفاده از کارشناسان کشاورزی سوق دهیم؟ روش‌های تنبیهی و تشویقی خاصی مدنظر شماست؟

بالای ۹۰ درصد کشاورزی مربوط به بخش خصوصی است و نمی‌شود کسی را تنبیه کرد که چرا کم برداشت کرده‌ای. جایزه محصول بیشتر در خودش مستتر است، نیازی به جایزه و تشویق نیست. البته با جواز تشویقی مخالف نیستیم ولی سود محصول بیشتر، سریعاً به خود کشاورز برمی‌گردد.

از جمله مهم‌ترین مشکلات بخش کشاورزی مصرف آب و است. این گفته که ۹۰ درصد آب کشور را بخش کشاورزی مصرف می‌کند، چقدر صحیح است؟

این آمار اشتباه محض است. همه محاسبات علمی نشان می‌دهد آب در اختیار کشاورزی حدود ۷۰ درصد است. وقتی آب از پشت سد رها می‌شود تا به سر مزارع برسد، به دلیل اینکه در کشور ما تیخیر آب بسیار بالاست، بخشی از آن هدر می‌رود. همچنین کانال‌های انتقال آب خوبی نداریم و بخشی از آب نیز به زمین نفوذ می‌کند. آنهایی که می‌گویند کشاورزی ۹۰ درصد آب کشور را مصرف می‌کند، این هدررفت را هم به حساب می‌آورند. بعد از اینکه آن ۷۰ درصد به دست کشاورز برسد تازه مشکل شروع می‌شود؛ چون سیستم‌های آبیاری ما ضعیف است. بهترین سیستم‌ها آبیاری تحت فشار، قطره‌ای، بارانی و... است؛ اما در بسیاری از مزارع این سیستم‌ها به کار نرفته‌اند. در بخش زیادی از کشور ما آبیاری به صورت جوی و پشته و امثالهم صورت می‌گیرد یا در باغات آب را در جوی‌های عریضی رها می‌کنند و هدر می‌رود. دولت هر ساله برای ترویج آبیاری تحت فشار و... برنامه دارد ولی هنوز نتوانسته این برنامه را به سرانجام برساند. اگر اصولی کار شود به ازای هر مترمکعب آب می‌توان حداقل یک کیلو محصول تولید کرد ولی آمار فعلی ۰/۳ کیلو به ازای این مقدار آب است. باید سیستم‌های آبیاری را ترمیم کنیم. امروز هم دولت و هم مردم به خوبی درک کرده‌اند که آب مشکل دارد و مردم نیز تمایل دارند به سمت سیستم‌های نوین آبیاری بروند تا از آب بهتر استفاده کنند.

دولت نرخ خرید تضمینی محصولات کشاورزی را با چندین ماه تاخیر و بدون افزایش اعلام کرد. اگر دولت مخالف این قانون است، چرا اقدام به لغو آن نمی‌کند؟ اگر هم موافق است، چرا این قدر بد اجرا می‌کند؟

به نظر من به عنوان یک کارشناس کشاورزی قانون خرید تضمینی گندم و سایر محصولات کشاورزی یکی از واجباتی است که دولت‌ها باید آن را اجرا کرده تا اینکه بتوانند رزق مردم را تأمین کنند. اگر این قانون نباشد طبیعتاً مردم به سمت کشت‌های دیگر می‌روند. این ایده بسیار مثبت است به شرطی که دولت بتواند به موقع طلب کشاورزان را بپردازد. اما کمبود نقدینگی در کشور باعث شده است که دولت نتواند به تعهداتش عمل کند. سال گذشته دولت مجبور شد حدود پنج هزار میلیارد تومان اوراق خزانه اسلامی را بفروشد تا وزارت جهاد کشاورزی بتواند طلب گندمکاران را پرداخت کند. دولت اگر پول داشت که نمی‌رفت اوراق منتشر کند و مجبور شود سود آنها را نیز بپردازد. در کل ایده خوبی است و اصلاً هم موافق لغوش نیستیم ولی باید شرایط دولت را هم در نظر گرفت.

برخی ادعان می‌کنند که قیمت گندم وارداتی ارزان تر از داخلی است ونتیجه‌ی می‌گیرند که بهتر است خرید تضمینی لغو ونیز کشور از خارج تأمین شود. با توجه به شرایط داخلی شما این حرف را صحیح می‌دانید؟

بله، درست است نرخ جهانی گندم ارزان تر از نوع داخلی آن است؛ برای اینکه میزان تولید ما در واحد سطح کم است، یعنی نسبت به هزینه‌ای که در یک هکتار می‌کنیم، محصول بسیار کمی به دست می‌آید.

در همین هفته با کشاورز گندمکاری برخورد کردم که در هر هکتار ۱۳۲۰۰ کیلوگرم گندم برداشت کرده و به عنوان کشاورز نمونه انتخاب شده بود. این کشاورز خوب کار کرده و در مزرعه‌اش دانش مدیریت را به کار گرفته بود. اگر مزارع را خوب مدیریت کنیم حالا ۱۳ تن نه، ولی ۶ تن که می‌توانیم برداشت کنیم؛ در اینجا امروزه متوسط تولید گندم بین سه تا چهار تن در هکتار باشد. کشاورزان ما آموزش پذیر نیستند و حوصله اینکه توصیه‌های ترویجی را قبول کنند، ندارند. اصلاً نیاز نیست کار خیلی خاصی را صورت دهند، اما همین که توصیه‌های ترویجی را قبول کنند، برایشان سخت است. اگر دانش مدیریت به مزارع تزیق شود، به خوبی می‌توانند چند تن اضافه برداشت داشته باشند. بنده خود کشاورزی کرده‌ام و می‌دانم جایی که وقت بیشتری گذاشته‌ام، عملکرد نیز بهتر بوده است.

اینکه کشاورز به سمت آموزش نمی‌رود به ضعف نقدینگی و کثرت مشکلات برنمی‌گردد که رغبت نمی‌کند به دنبال روش‌های جدید برود؟

نه، اصلاً این گونه نیست و به نقدینگی مربوط نیست. وقتی کشاورزی به دفاتر ترویج کشاورزی مراجعه و راهنمایی جهت کاشت صحیح طلب کند، کارشناسان آن مراکز استقبال می‌کنند. من دیده‌ام کشاورزی که برای کشت

یادداشت

میثم مهرپور

کارشناس ارشد اقتصاد

جهانگیری در هفته‌های گذشته تلاش داشتند وانمود کنند با مصوبه جنجالی دولت مبنی بر تک‌نرخی شدن ارز روی قیمت ۴۲۰۰ تومان، مشکلات این بازار حل و پرونده این ماجرا بسته شده است؛ ادعایی که خیلی زود پوچ بودن آن مشخص و ایرادات این طرح یکی پس از دیگری نمایان شد. شکل گیری بازار سیاه دلار بین نرخ‌های شney تا ۶ هزار تومان در بازار، عدم رضایت تجار از دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی، گنجاندن تلویحی موضوع پیمان سپاری ارزی به نام مقابله با فرار سرمایه از کشور و... از جمله مواردی است که ضعف اصلی این مصوبه را برای مردم و فعالان اقتصادی مشخص و دولتی‌ها را وادار به ادامه به این مساله کرده است.

شکی نیست که بخش قابل توجهی از التهابات ارزی در اقتصاد ایران چه در سال‌های ۹۱-۹۰ و چه در ماه‌های اخیر به واسطه هجوم منابع ریالی مردم به بازار ارز و تشدید تقاضای ارز است. در سال‌های اخیر وضعیت رکود در بازار مسکن به نوعی این بازار را از رده فعالیت‌های سودده و دارای حاشیه سود بالا خارج کرده است. وضعیت بازار

خبر

خرید گندم از کشاورزان به یک میلیون و ۳۸۵ هزار تن رسید



مجری طرح توسعه کشت گندم گفت: «تا امروز یک میلیون و ۳۸۵ هزار تن گندم از کشاورزان خریداری شده که از این میزان یک میلیون تن آن در سامانه بانکی ثبت و ۵۰ درصد بهای آن پرداخت شده است.» اسماعیل اسفندیاری پور میزان بهای پرداخت شده به گندمکاران را ۶۵۰ میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: «روند خرید و ثبت در سامانه بانکی ادامه دارد و عدد پرداخت مطالبات هر روز افزایش پیدا می‌کند.»

وی ادامه داد: «گندم‌های خریداری شده از استان‌های سیستان و بلوچستان، بوشهر، جنوب فارس، جیرفت کرمان، خوزستان و دشت عباس ایلام است.» اسفندیاری پور وضعیت مزارع گندم را مطلوب ارزیابی کرد و گفت: «کنترل بیماری‌ها در مزارع گندم به خوبی در حال انجام است و بیشتر مزارع از مرحله

حساسیت به بیماری‌ها عبور کرده‌اند.» وی در پاسخ به این پرسش که هشدار سازمان حفظ نباتات درباره شیوع بیماری‌ها در پی کاهش بارندگی به چه دلیل بوده است، اظهار کرد: «کاهش بارندگی احتمال شیوع بیماری‌ها را در مناطق خشک افزایش می‌دهد و نیاز به توجه بیشتر کشاورزان برای کنترل و مراقبت است، به همین دلیل سازمان حفظ نباتات کشور لازم دانسته نسبت به احتمال شیوع بیماری‌ها هشدار دهد.» اسفندیاری پور اضافه کرد: «احتمال شیوع بیماری در مناطق خشک بیشتر و در مناطق معتدل شرایط بسیار مناسب است.» مجری طرح توسعه

کشت گندم میزان تولید گندم در سال جاری را تأمین کننده نیاز کشور دانست. اسفندیاری پور پیش‌بینی کرد تولید ۱۳/۴ میلیون تن گندم در سال جاری محقق می‌شود و از این میزان دولت باید ۱۰ میلیون تن گندم از کشاورزان در قالب خرید تضمینی تحویل بگیرد. / اقتصادآنلاین

راهکاری برای حل بحران‌های ارزی

طرح سپرده‌گذاری ارزی در این یادداشت به اجمال به ارائه پیشنهادی پرداخته‌ام که آن را یگانه راه‌حل بحران و التهابات ارزی در کشور می‌دانم. با ممنوعیت داد و ستد ارز در بازار آزاد و پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی به گروه‌های تعیین شده از سوی دولت طبیعتاً بسیاری از متقاضیان ارز- فارغ از متقاضیان واقعی یا غیرواقعی- و دارندگان ارز خانگی فارغ از چرخه تعیین شده و به صورت قانونی نه می‌توانند ارزی بخرند و نه می‌توانند ارزی بفروشند. تداوم این روند در میان مدت قطعاً به تشدید بازار سیاه ارز دامن زده و نظارت حداقلی دولت بر بازار را به صفر می‌رساند. از این رو پیشنهاد می‌شود دولت با تهیه حواله‌های ارزی مانند اوراق که بی‌نام و قابل انتقال به غیر بوده و کاملاً قابلیت خرید و فروش را دارند به نوعی هم با خرید و فروش ارز به صورت انکاس مقابله کرده و هم میزان داد و ستد ارزی در بازار را کنترل کند. در اقدامی دیگر می‌توان ارزهای موجود در جامعه- به استثنای ارز دولتی حاصل از فروش نفت- وارد

بخش قابل توجهی از منابع ریالی یا همان سرمایه‌های سرگردان مردم به ناچار به سمت بازار ارز سوق یابد. شنیده‌ها وشواهد بیانگر وجود میلیاردها دلار ارز خانگی در گاوصندوق‌ها و پستوی خانه‌های ما ایرانیان است. وجود این حجم از پول خارجی در خانه‌های مردمی که واحد رسمی پول کشورشان ریال است و نه به دلار می‌خرند و نه به دلار می‌فروشند، بسیار عجیب است و عجیب‌تر اینکه این دلارها در گوشه‌ای خاک می‌خورند، منابعی که اگر وارد بازار تولید شوند شاید بسیاری از مشکلات کشور ازجمله نیاز به فاینانس‌ها یا منابع ارزی خارجی برای سرمایه‌گذاری مرتفع شود. موضوعی که در دولت دهم با مصوبه سپرده‌گذاری ارزی آغاز و مردم برای سپرده‌گذاری‌های ارزی خود در بانک‌ها تشویق شدند اما با تشدید التهابات ارزی در دهه ۹۰، دولت با بدقولی یا بازپرداخت ارزی سود به سپرده‌گذاران سر باز زد و همین اقدام اشتباه دولت به واسطه منابع کوتاه‌مدت اعتماد کم‌رنگ مردم به دولت را بی‌رنگ کرد. با توجه به شکست

مکانی مانند بورس ارز شـده تا با کنترل و نظارت دولت (نه مداخله) متقاضیان ارز، ارز مورد نیازشان را براساس عرضه و تقاضا از دارندگان ارز مازاد خریداری کنند. با این کار علاوه بر اینکه تمام مبادلات ارزی کشور در فضایی روشن رخ خواهد داد، دولت نیز می‌تواند میزان این مرادوت را رصد و بر این اساس برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهد. در این صورت دولت نیز با ارزهای حاصل از فروش نفت یا سایر درآمدهای ارزی می‌تواند به اقداماتی قبیل گشایش اعتبار، واردات ماشین‌آلات و تکنولوژی، دارو، کالاهای اساسی و... پرداخته و سایر نیازهای مردم براساس عرضه و تقاضا در بورس ارز تأمین شود. در این صورت افرادی که تمایل به صرف هزینه‌های ارزی و سفرهای خارجی و... دارند با مشکل مواجه نشده و دولت نیز از یارانه‌ای یا ارزان برای انجام کارهای غیرضرور یا واردات کالاهای لوکس و مصرفی نخواهد داد. در خاتمه باید گفت حضور قانونمند ارزهای مازاد-ارزهای خانگی یا ارزهای حاصل از صادرات غیرنفتی بخش خصوصی- در بورس ارز علاوه بر کنترل نوسانات ارزی می‌تواند به افزایش اطلاعات آماری دولت کمک کرده و این منابع را از فعالیت‌های زیرزمینی و غیرشفاف به بازاری شفاف و قانونی هدایت کند.

افزایش قیمت ۵ میلیونی خودروی «دنا»

۲۶۸ هزار تومان و دنا پلاس توربو با رشد پنج میلیون و ۸۸ هزار تومانی با قیمت ۵۸ میلیون و ۹۰ هزار و ۴۰۰ تومان به فروش می‌رسد.

البته این شرکت هفته گذشته هم به صورت چراج خاموش قیمت سه محصول خود را حدود پنج میلیون تومان افزایش داده بود. بر همین اساس در لیست جدید قیمت انواع محصول این شرکت برای پژو ۲۰۷i دنده‌ای با افزایش چهار میلیون و ۱۶۸ هزار تومان به قیمت



۴۷ میلیون و ۱۳۰ هزار تومان، پژو ۲۰۷i اتوماتیک با افزایش چهار میلیون و ۷۹۲ هزار تومانی به قیمت ۵۴ میلیون و ۳۶۴ هزار تومان و تندر پلاس اتوماتیک با افزایش چهار میلیون و ۷۵۳ هزار تومانی به قیمت ۴۳ میلیون و ۹۲۵ هزار تومان تعیین شده بود.

همزمان با روند افزایشی قیمت انواع محصولات خودروسازان، ایران خودرو قیمت خانواده دنا را پنج میلیون تومان افزایش داد.

ایران خودرو در دور جدید قیمت‌گذاری محصولات خود در سال ۹۷ قیمت

خانواده دنا را با رشد پنج میلیون تومانی به

نماینده‌گی‌های این شرکت ابلاغ کرد. براساس مصوبه جدید ایران خودرو، دنا معمولی با رشد چهار میلیون و ۱۱۶ هزار تومانی با قیمت ۴۶ میلیون و ۹۹۱ هزار و ۶۰۰ تومان، دنا پلاس با رشد چهار میلیون و ۶۶۵ هزار تومانی با قیمت ۵۳ میلیون و